

اعتصاب تاریخی، زندانیان سیاسی سنندج

از : رشاد مصطفی سلطانی

تابستان ۲۰۱۹

بستر و زمینه‌ی تاریخی :

شهر سنندج از شهرهای پرجمعیت شرق کردستان است ، که در نشیب و فرازهای تاریخی و مبارزات ملت کرد ، نقش پیشرو و تعیین کننده‌ای داشته‌است . خصوصاً در آستانه‌ی قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ شمسی ، دوران گذار، تغییر رژیم و تثبیت فاشیسم اسلامی پیشتاز مبارزات شهری در سطح ایران بود. سنندج بطور غیر مستقیم پایتخت شرق کردستان بوده و اگرچه شهر مه‌آباد همیشه در افکار عمومی با جمهوری یازده ماهه‌ی کردستان تداعی می‌گردد اما شهر سنندج قبل و بعد از قیام ۵۷ ، جایگاه ممتازی در مبارزات ملت کرد بدست آورده، لذا روند مبارزات ملی و طبقاتی در این شهر، بمراتب از شهرهای دیگر کردستان پیشتاز تر و راسخ تر و جایگاه رفیعتری داشته‌است .

سیاست های کارتر و دمکراسی غربی :

زمانیکه کارتر رئیس جمهور آمریکا در راس قدرت بود، نوعی دمکراسی را در کشورهای وابسته به امریکا و از جمله ایران تبلیغ و ترویج کرد خصوصاً مانور و قدرت وحشیگری و سرکوب ساواک را مورد انتقاد قرار داده و تاحدی محدود کرد. شاه ایران را نیز مجبور به پذیرش آزادی هائی هر چند در سطح بالائی نبود، کرد . در این راستا زندانیان سیاسی در ایران که اکثراً در زندان های اوین ، قصر ، کمیته‌ی مشترک ، قزل قلعه و زندان های مخفی و استان های دیگر ایران اسیر بودند ، میتوانستند دوران محکومیت را در استان و زادگاه خویش سپری نموده و بگذرانند . مقامات ساواک با تقاضای زندانیانی سیاسی و انتقال به زادگاه خویش موافقت نمودند .

برگشت زندانیان سیاسی به کردستان :

از شهرهای مختلف ایران از جمله: تهران ، اصفهان ، تبریز ، شیراز و کرمانشاه زندانیان سیاسی کرد ، به شهر سنندج برگشتند . ساختار زندان در سنندج تا آن زمان فقط به مجرمین عادی تعلق داشت . و با رویداد جدید و زندانی سیاسی کاملاً بیگانه و تجارب کافی نداشتند . حتی سرکوب و خشونت پلیس ، در مورد زندانیان سیاسی خیلی خشن و عقب مانده و اساساً پایگاه‌سیاسی و جایگاه‌اجتماعی زندانی سیاسی را اساساً نمی شناختند و درک نمی کردند.

خواست های زندانیان سیاسی :

در مجموع خواست و تقاضای زندانیان سیاسی که بطور کتبی به مقامات زندان و ساواک شهر سنندج ، ارائه گردید در مجموعه و زیر مجموعه‌ای تنظیم گردیده بود . خواست و نیاز زندانیان سیاسی عبارت بودند از:

قطع پروسه‌ی شکنجه ،مناسب کردن شرایط بهداشت و وضع نظافت و بهداشت شخصی ، زیاد نمودن وقت حمام در زمانیکه زندانی سیاسی نوبت حمام دارد ، بهتر کردن خوراک و غذای روزانه از نظر کمی و کیفی، طولانی کردن اوقات هواخوری زندانی سیاسی در بیرون از سلول، حق استفاده از رادیوی دوج ، آزاد کردن روزنامه و نشریات داخلی ایران بدرون زندان ، حق استفاده از وسایل خوراک پزی بمنظور گرم کردن غذا ،اجازه‌ی دیدار اقوام دور و نزدیک ،آمدن دکتور حاذق به‌زندان و اجازه‌ی رفتن زندانی به دیدار دکتور درخارج از زندان ، جلوگیری وممانعت از تحقیر و اهانت و بی حرمتی به زندانیان سیاسی .

دوران بیست و چهار روزه‌ی اعتصاب:

اخبار اعتصاب غذای زندانیان سیاسی به مریوان رسید . ما خانواده مصطفی سلطانی خیلی نگران وضع جسمی زندانیان سیاسی بودیم. خانواده جناب روشن توده و مصطفی سلطانی و اقوام و پیشروان مریوان بسوی سنندج حرکت نمودیم . جلو درگاه زندان تجمع نمودیم .و اکثر خانواده زندانیان سیاسی از شهرهای سقز و بانه نیز آمده بودند . تقاضای دیدار کاک فوآد گردید که پلیس مخالفت نمود ، سرانجام با اصرار و پافشاری خانواده‌ی زندانیان سیاسی پلیس دیدار کاک فوآد را قبول کرد . اما کاک فوآد بحدی در وضع ناخوشایند جسمی و خسته و آزار دیده بود که در آستانه‌ی مرگ قرار داشت وحقیقتاً نمیتوانست روی پاهایش حرکت نماید. در این لحظات

دو برادرش کاک محمد و کاک حسین جلو رفته و زیر شانه‌هایش را گرفتند. و به پشت میله‌های زندان منتقلش کردند که دایه بهیه از سوراخ تعبیه شده زندان، توانست فرزندش را تماشا کند. زمانیکه پلیس مانع دیدار مادر و فرزند گردید، دایه بهیه با صدای بلند بر زندانبان‌ها و پلیس‌ها غرید و این دو بیت شعر فلکلوری را بزبان مادری که وزین و پر محتوی است خواند. (متاسفانه لطافت و غنای شعرهای فلکلوری، در ترجمه بزبان فارسی هم‌تراز زبان کردی نخواهد گردید.)

هر کس ظالم باشد چنین میکند- مادر برای فرزندش در چ حال است .
آه و ناله‌ی درونم به فلک برسد- شیونم را به ماوای فرشتگان برساند.

کاک فواد برای رسیدن به اهداف انسانیشان، اعتصاب را بعنوان تاکتیکی مناسب و لوژیک انتخاب کرده بودند. همه‌ی کادر زندان و زندانبان‌ها و روسای زندان و پلیس و ساواک در تلاش پیاده کردن پلاتفورم و طرحی بودند که اعتصاب را بشکست بکشانند و هم‌زمان اعتماد به‌نفس کاک فواد را در هم بکوبند و بشکنند. اما اعتماد و اراده‌ی سیاسی زندانبانان سیاسی شوخی بردار نبود و پلیس از همه‌ی شیوه‌های ناجوانمردانه استفاده کرد و تلاش آنها بجائی نرسید و کارائی نداشت. دامنه‌ی اعتصاب باگذشت زمان گسترش یافت و در بیرون از زندان انعکاس وسیعی یافت. اگر چه همه‌ی زندانبانان سیاسی خسته و ضعیف و رمقی در پیکرشان نمانده بود اما تسلیم سیستم دیکتاتوری شاهنشاهی نگردیدند. در این رهگذر حتی زندانبانان "عادی" هم به کمپین اعتصاب غذا پیوستند و مدت یازده روز باشجاعت تمام از خواست زندانبانان سیاسی دفاع و پشتیبانی نمودند. که پدیده‌ی تازه و حرکتی قهرمانانه و شایسته‌ی احترام بود. پلیس و ساواک در برابر موج وسیع اعتراضات زندانبانان سیاسی و زندانبانان عادی و نارضایتی عمومی، سپر انداختند و روباه صفت به دستاویزهای ناجوانمردانه پناه بردند. عقب نشینی مسئولین زندان و ساواک، از دست دادن اتوریته و اعتبارشان را بهمراه داشت. در زمان ۲۴ روزه‌ی اعتصاب، جناب دکتر فتح الله لطف‌الله نژادیان برای تداوی و معاینه‌ی زندانبانان به زندان رفت و آمد داشت و ارتباط‌هایش با کاک فواد در سطح دلگیری بود. و جناب صدیق کمانگر بعنوان وکیل پایه‌یک دادگستری برای دفاع از متهمین عادی به زندان میرفت و ارتباط‌هایش با کاک فواد روتین و منظم بود.

تحصن خانواده‌های زندانبانان سیاسی در ساختمان دادگستری

شهروندان سنندج و خانواده‌ی زندانبانان سیاسی و توده‌های ناراضی مردم و خصوصاً جوانان پیش‌تاز اعتماد بخود پیدا کرده و به مبارزات و تلاش‌های سیاسی و اجتماعی روی آوردند. و هیچ مانع و تهدیدی نتوانست جلو این حرکت سیاسی را بند کند و آنها را سرکوب نماید. بهمین خاطر بمنظور انعکاس گسترده‌ی وضع جسمی و سلامتی اسفناک و ناگوار زندانبانان سیاسی و نابود کردن ترس و دلهره و اضطراب در شهر سنندج و تشویق توده‌های مردم در زمینه‌ی شرکت در اعتراضات و مهیا کردن سقوط رژیم پهلوی، مصمم شدند که در ساختمان دادگستری که در میدان اقبال سنندج واقع شده، جمع شده و بطور نشسته به سیاست‌های پلیس و ساواک اعتراض کنند. این رویکرد و میتینگ در دادگستری سنندج بابتکار مبارزین و اعضا و هواداران کومه‌له و خصوصاً راهنمائی‌های بیدریغ وکیل محبوب دادگستری جناب "صدیق کمانگر" انجام گرفت. در همین رهگذر پیشروان سنندجی برای اولین بار به خیابان‌ها ریختند و سکوت تاریخی و عظیمی را شکستند و تظاهرات و راهپیمائی خیابانی شروع گردید. از فعالین و مبارزین آن دوره میتوان به اسامی انقلابیونی چون: جمیل زکریائی، عبدالله دارابی، فریده زکریائی، حسین پیر خضرانیان، ملکه مصطفی سلطانی، نسرین زکریائی، امین مصطفی سلطانی، غفار غلام ویسی، عبدالله مصطفی سلطانی، رضا حجت جلالی، حمید ملک الکلامی، و آزادگان و مبارزین دیگری که اسامیشان بخاطر نمی آید اشاره کرد. که این انقلابیون تأثیری تعیین کننده‌ای بر روند اعتصاب و تظاهرات داشتند. خبر اعتصاب نشسته در دادگستری مانند بمب ساعتی منفجر گردید و دسته دسته جوانان مبارز و انقلابی و خانواده‌ی زندانبانان سیاسی و افراد آزادیخواه به جمع اعتصابیون در دادگستری پیوستند. یکی از ابتکارات و شیوه‌های خلاق، که خانواده‌ی زندانبانان سیاسی و جمع متحصنین در ساختمان دادگستری سنندج اتخاذ نمودند تعیین نماینده‌ای بود، که از دادستان کل تقاضای دیدار حضوری نمود. دادستان کل با این درخواست موافقت نمود. اما هنگامیکه نماینده‌ی انتخاب شده، میخواست به جلسهای دیدار برود، لباس ملی و کردی به تن داشت و قبل از تحصن پوشیده بود. دادستان کل با مشاهده‌ی نماینده که لباس کردی پوشیده، عصبانی گردید و در نهایت وقاحت و بیشرمی حاضر به پذیرفتن و گفتگو بانمایندگی منتخب نگردید. دادستان کل اتوماتیک از پدیده‌ی ستم ملی دفاع نمود و بدین وسیله، نماینده‌ی منتخب را بشیوه‌ای نازل مورد اهانت و تحقیر قرار داد.

مواضع ماشین سرکوب و ساواک و پلیس

پلیس و ساواک میدان اقبال و ساختمان دادگستری را محاصره کردند. در وهله‌ی اول نیروهای سرکوب فقط محاصره را انجام دادند و کاری به معترضین در ساختمان دادگستری نداشتند. دو ساعت در دلهره و پریشانی گذشت و هنوز پلیس عکس‌العملی نشان نداده بود. زمانیکه کارمندان دادگستری کار روزانه‌شان تمام شد و به منازل خویش برگشتند و دانش‌آموزان از مدارس بیرون آمده و بخانه‌هایشان می‌رفتند و بازاریان برای استراحت بسوی خانه‌هایشان سرازیر می‌شدند و توده‌های مردم و ازدحام در اطراف دادگستری کم و کمتر می‌شد. حملات خویش را آغاز نمود. با لوله آب پاش به جمع متحصنین در ساختمان دادگستری حمله گردید و همگی را خیس کردند. سپس به کتک کاری و لگد پراکنی و حملات وحشیانه دست زدند. در این گیر و دار خانم ملکه مصطفی سلطانی بشیوه‌ای کتک زدند که اگر رفیق عبدالله دارابی به فریادش نرسید، دست و پایش را می‌شکستند و یا زیر دست و پای نیروهای امنیتی جاننش را از دست میداد. اکثریت مطلق اقوام و اعضای خانواده‌ی زندانیان سیاسی مورد حمله قرار گرفته و کتک کاری شدیدو مورد اهانت و تحقیر قرار گرفتند. در این موقع به اسارت آنها پرداخته و در مجموع سی و پنج نفر را اسیر کردند.

اسامی اسرای دادگستری سنندج

تقریباً همه‌ی اعضای خانواده‌ی کاک فواد در داخل و خارج دادگستری توسط پلیس که اسامی آنها عبارتند از: پدر و مادر کاک فواد، برادران کاک فواد بنام‌های حسین، امین و ماجد و خواهرش بنام ملکه و پسر عموهای کاک فواد بنام‌های کریم و تیمور فامیل همگی (مصطفی سلطانی) و میرزا کریم روشن توده در این اعتراض تاریخی اسیر گشتند. بعضی از افراد موفق به فرار شده و بسوی مریوان بازگشتند، اما نرسیده به مریوان و در ارتفاعات کوه گاران آقایان حمزه برا و جلال کهنه‌پوشی اهل روستای "رشته‌دئ" نیز اسیر شدند. چند نفر دیگر در این حملات اسیر گشتند.

پژواک و انعکاس اعتصاب زندانیان سیاسی سنندج در ایران

در راستای آگاه کردن افکار عمومی مردم خارج از کردستان و سراسر ایران، جناب عبدالله بابان که معاون فنی استاندار کردستان و جناب صدیق کمانگر که عضو کمیته‌ی حقوقدانان بشر و عبدالله مصطفی سلطانی که دبیر مدارس مریوان بود، بمنظور افشاگری و انعکاس گسترده‌ی این حرکت تاریخی به تهران سفر کردند. در وهله‌ی اول چونکه ساواک دخالت داشت، بنابراین امکان مخابره تلگراف از سنندج به مقامات تهران امکان پذیر نبود، لذا گروه سه نفره در شهر تهران موفق به مخابره‌ی تلگراف به حاکمان مسئول و مقامات دولتی در تهران شدند. هدف این گروه سه‌نفره دیدار مستقیم صلیب سرخ جهانی، ارگان کانون وکلا و دیدار دکتر عبدالکریم لاهیجی مسئول کانون وکلا، کریم سنجابی و صارم خان صادق وزیرری در جبهه‌ی ملی، سحابی، داریوش فروهر، و کریستیان میشل بود. مسئول و رئیس صلیب سرخ جهانی و زندانیان سیاسی ایران، در آن زمان کریستیان میشل بود. آقای کریستیان میشل در زندان قصر تهران با کاک فواد آشنائی نزدیکی داشت و شخصاً او را از نزدیک می‌شناخت. و نام و فامیل و شماره تلفن و آدرس خودش را در کارتی چاپ شده به کاک فواد داده بود. باطراحی و ابتکار جناب صارم خان صادق وزیرری و جبهه‌ی ملی کنفرانسی برای روزنامه‌نگاران و ماسمیدیای جهانی ترتیب داده شد، در این کنفرانس هفده روزنامه‌نگار و رادیوی بین‌المللی جهانی حضور داشتند. آقای کریم سنجابی با زبان‌های فرانسوی و انگلیسی به شیوه‌ای جدی در مورد مرگ زندانیان سیاسی سنندج صحبت نمود. و شکایت هئیت سه نفره کردستان را به روزنامه‌نگاران تقدیم نمود. که این شکایت نامه در برنامه‌ی رادیو بی بی سی و جام جهان نما و در روزنامه‌ی لوموند فرانسه پخش گردیدند. رادیو بی بی سی مدت پانزده دقیقه در مورد شرایط وحشتناک زندان سنندج و اعتصاب و خواست زندانیان سیاسی بحث و رپرتاژ گویائی پخش کرد. سپس هئیت سه نفره با آقای سحابی در نهضت آزادی و، آقای کریستیان میشل مسئول صلیب سرخ جهانی در تهران دیدار کردند. کاک فواد کارت میشل را به بیرون زندان فرستاده و عبدالله مصطفی سلطانی آنرا به میشل نشان داده بود و میشل قانع گردیده بود که به سنندج سفر کند. میش عازم شیراز بوده که سفر به کردستان را ترجیح میدهد و در زندان سنندج زندانیان را دیدار نموده و با زبان انگلیسی با کاک فواد گفتگو می‌نماید. باوساطت و این دیدار و وعده‌های کریستیان میشل اعتصاب غذا شکسته میشود، در این زمان وضع جسمی و تندرستی زندانیان سیاسی در سرایشی سقوط و آستانه "مرگ" قرار داشت. با وساطت عبدالله مصطفی سلطانی، دکتر فتح الله نسخه‌ای برایشان آماده میکند که به نورمال شدن عارضه "ورم و آماس" و فیزیولوژی جسمشان کمک نماید و برایشان دوا و درمان تدارک می‌بینند. توصیه دکتر فتح الله نوشیدن آب و غذاهای آبکی بوده است. که سفارشات و توصیه‌های دکتر فتح الله

شایان توجه و کارساز بوده‌است . دکتر فتح الله سرانجام در راستای ماموریتی انترناسیونالیسی و اومانیستی با کاروانی از انقلابیون سنندجی برای کمک به شهروندان ترکمن صحرا عازم گنبد گردید که متأسفانه در راه آرمان های انسانی جان باخت . کاک صدیق کمانگر سخنگوی آتشین خیابان های خون آلود سنندج نیز در توطئه‌ای ناجوانمردانه وبا خزیدن جاسوسی در صفوف کومهله ، ترور گردید .

پیام زندانیان سیاسی سنندج

اعتصاب غذا بعنوان تاکتیکی مناسب در آن دوره بکار گرفته شد . ترس و وحشت از نیروهای سرکوبگر سیر نزولی سریعی پیدا کرد . در دراز مدت این اعتصاب تأثیر مستقیم در مبارزات شهروندان کردستان در راستای سقوط سیستم شاهنشاهی داشت . اعتماد به نفس شهروندان کردستان را محکم و تثبیت نمود . این حرکت تاریخی که قاطعانه و بدون تزلزل توسط " کاک فوآد " رهبری میگردید دستاوردهای عظیمی در بستر روحیه‌ی تعرضی مردم به ارگانهای سرکوب از جمله ساواک ، شهربانی ، ژاندار مری و سیستم زندان داشت . این حرکت در بالا بردن سطح اعتراضات توده‌ای و دفاع از حقوق بشر و اتحاد و یگانگی و درد مشترک شهروندان تأثیر بسزائی داشت . کاک فوآد در زندان با رفقایش مطالعه میکرد و در آن بستر کادرهای لایق و جسور و فرماندهانی را در انزوای زندان برای کومهله پرورده نمود که بعداز مرگش در مکان های کلیدی و رهبری کومهله صاحب نظر بوده و مبارزه کردند . در اعتصاب غذای زندانیان سیاسی سنندج ، صدائی رسا و فریادی انسانی به گوش جهانیان رسید که آن صدا و فریاد بمنظور استقرار آزادی ، استقلال ، برابری ، صلح ، دموکراسی ، استقرار سیستم دموکراتیک بدور از استثمار و تبعیض ، و زندگی شایسته‌ی انسان پژواک داشت . در این روند تاریخی زندانیان سیاسی سنندج بعد از بیست و چهار روز اعتصاب غذا ، ساواک و پلیس و ماشین سرکوب را شکست مفتضحی دادند و زندانیان مصمم و پیگیر و انقلابی با موفقیت روبرو گشته که خیرش در ماسمیدیا جهانی و ایران پخش گردید . خیلی از تحلیل گران سیاسی و رفقای صادق کاک فوآد معتقدند که در دوران اعتصاب غذا ، کاک فوآد مهارتها و توانائی هایش را در سطح همجانبه‌ای باثبات رسانده و خود را به فاز رهبری رساند . همچنین در دوران کوچ شهروندان مریوان به اردوگاه " کانی میران " سطح رهبریش را بسرعت ارتقا داده و به اوج خویش رساند . درمیان انهایی که ساواک و پلیس در ساختمان داد گستری اسیر نموده‌بود ، انسان هائی باباورهای مذهبی وجود داشتند و روزه می گرفتند ، کاک فوآد به دگراندیشان و انسان های متدین نیز احترام فراوانی می گذاشت و حتی در هنگام روزه‌داری در درون زندان ، اگرچه جسمی نحیف و ناتوان داشت ، در زمینه سرویس غذا کمکشان میکرد .



تهران، سال ۱۳۴۹ دانشگاه صنعتی شریف ، کاک فوآد دانشجوی سال چهارم برق.

اسامی زندانیان سیاسی شهر سنندج:

زندانیان سیاسی شهر سنندج در سال ۱۳۵۷ شمسی ، همیشه بین پانزده تا بیست نفر در نوسان بوده است . سه نفر از آنها فارس زبان و بصورت تبعیدی به زندان سنندج انتقال یافته بودند و بقیه‌ی زندانیان سیاسی کرد زبان بوده اند . بند شش رادر زندان سنندج ، برای زندانیان سیاسی اختصاص داده بودند .

۱- محمدشاسواری

۲- پرویز قیتانی (اهل کرمانشاه)

۳- رضا پورمیرزا (اهل نهاوند)

۴- هوشمند روشن توده

۵- یوسف قریشی

۶- طیب عباسی روح الهی

۷- محمد کعبی

۸- تورج میرزائی

۹- محمد شافعی

۱۰- عثمان روشن توده

۱۱- فواد مصطفی سلطانی

۱۲- عمر حمیدی - عضو مرکزیت سازمان چریک های فدائی خلق و اهل بوکان

۱۳- یک نفر از مرکزیت سازمان پیکار بانام مستعار مسعود (محسن - ف)

۱۴- صدیق فرخیان- به مرکزیت حزب دمکرات رسید و در جنگ کومه‌له و دمکرات جان باخت .

۱۵- رئوف کرمی

۱۶- توفیق رش

۱۷- محمود اصفهانی

۱۸- یک هوادار از حزب دمکرات

۱۹-

موضع روزنامه‌ی بسوی آزادی

روزنامه‌ی بسوی آزادی در ماه شهریور ، سال ۱۹۷۸ میلادی و در شماره‌ی چهارم مقاله‌ای بزبان فارسی در باره‌ی اعتصاب غذای زندانیان سیاسی سنندج نشر کرده بود . که همین مقاله توسط مترجم ، ادیب ، زبان شناس ، نویسنده و سیاستمدار کرد جناب آقای حسن قاضی بزبان کردی ترجمه گردیده است . اهم مطالب این مقاله چنین است :
وضع جسمی و تندرستی و جان زندانیان سیاسی سنندج در خطر است - اقوام دور و نزدیک زندانیان سیاسی یا اسیر گشته و یا فرار کرده و یا خود را مخفی نموده اند - شهروندان سنندجی از خواست عادلانه‌ی زندانیان سیاسی پشتیبانی می کنند - هنوز مقامات زندان به نیاز های برحق زندانیان که شامل پوشاک ، رادیو ، وسیله‌ی خوراک پزی ، بهداشت ، هواخوری و روزنامه و نشریات دولتی، پایان دادن به توهین و بی حرمتی می باشد هیچگونه عکس العملی نشان نداده و سکوت مرموزی نموده اند - فراهم نمودن امکانات دیدار حضوری با پدر و مادر و اقوام .

در هنگام تحصن در ساختمان دادگستری نماینده متحصنین تقاضای دیدار دادستان کل را می کند و پذیرفته میشود . اما چونکه نماینده‌ی خانواده‌ی زندانیان سیاسی لباس کردی به تن داشته ، دادستان کل او را تحقیر و مورد اهانت قرار داده و در کمال وقاحت و بیشرمی از دیدار با نماینده‌ی خانواده‌ی

زندانیان سیاسی منصرف شده است . بعد از این اهانت و تحقیر ساواک و مامورین پلیس به خانواده‌ی زندانیان سیاسی حمله کرده‌اند . همین سرکوب سرآغاز اعتراضات آشکار خیابانی در سنندج می‌گردد . صدای اعتراض خانواده‌ی زندانیان سیاسی در ساختمان دادگستری ، بوسیله‌ی شبکه‌ی مردمی پخش گردیده ، اما روزنامه‌های دولتی کماکان در برابر این واقعه‌ی تاریخی سکوت محض کردند .

قطع نامه‌ی شهروندان سنندج

ما مردم شهر سنندج بطور عام و روشنفکران و معلمان و کارمندان و دانش آموزان و دانشجویان نفرت و بیزاری خویش را در مورد واقعه‌ی روز شنبه هفدهم مرداد ۱۳۵۷ شمسی که پلیس خانواده‌ی زندانیان سیاسی را سرکوب و مورد اهانت قرار داده و آنها را اسیر نموده، اعلام می‌داریم . اعلامیه‌ی حقوق بشر این حق را به انسان و خصوصا زندانیان سیاسی که از امکانات بهداشتی ، خوراکی ، نشریات ، رادیو ، حمام ، دیدار با خانواده و اقوام بهره‌مند باشند داده‌است . لذا بخاطر جان و سلامتی زندانیان سیاسی از مقامات حکومتی می‌خواهیم که اصول انسانی زیر را سریعاً اجرا در آورند .

- زندانیان سیاسی را بشیوه‌ای انساندوستانه قانع و خواست انسانی آنها را برطرف نموده که خاتمه به اعتصاب غذا داده تا بدینوسیله از مرگ زندانیان جلوگیری شود - قوانین حقوق بشر را در مورد تک تک آنها رعایت نمائید - تداوی و معاینه زندانیان سیاسی را فوراً انجام داده و امکانات دیدار با دکتر را در بیرون به آنها بدهید - آزاد کردن همه‌ی اقوام زندانیان سیاسی و افرادی که در ساختمان دادگستری و در منازل و خیابان های سنندج اسیر گشته‌اند - تعقیب و محاکمه‌ی پلیس هائی که در سرکوب شرکت مستقیم داشته‌اند - ما با تمام وجود از حقوق زندانیان سیاسی دفاع می کنیم -

امضا: بازاریان ، معلمان ، دانشجویان و دانش آموزان سنندج و سقر و مریوان .

منابع معتبر:

۱- Foad Mostafa – Soltani
A kurdish political leader and scholar
by: Reshad Mostafa – Soltani
Germany , Köln, ۲۰۰۷

۲- Foad Mustafa -Soltani

A look into his life , his aspirations and how he died .
by: Malaka,Reza and Hishmat Mostafa-Soltani

The South Kurdistan , Solaimany ۲۰۰۴

از کتابهای ۱ - کاک فوناد رتیه‌ر ، سیاسه‌تمه‌دار و زانابه‌کی سیاسی.
۲ - کاک فوناد مسته‌فا سولتانی کی بوو، نامانجی چی بوو، چون گیانی بهخت کرد ؟
۳- در جستجوی عدالت ، نویسنده عثمان روشن توده، که در دابخش آماده گردیده و در بخش فارسی سایت کاک فواد گذاشته شده‌است . واز منابع معتبردیگری در همین رابطه، برای تدوین مطالب استفاده شده‌است .

پایان

رشاد مصطفی سلطانی .
تایستان ۲۰۱۹ میلادی